

بررسی تطبیقی علل انحطاط مسلمانان از نظر

سید جمال الدین اسدآبادی

و سرسید احمد خان هندی



نویسنده:

علی استوار

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

: استوار، علی، ۱۳۵۴ -
بررسی تطبیقی علل انحطاط مسلمانان از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی و
سرسید احمدخان هندی/ نویسنده علی استوار.

مشخصات نشر

: تهران: شاپرک سرخ، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری

: ۲۳۱ ص.

شابک

: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۹-۹۲-۱ ریال: ۱۷۵۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی

: فیفا

یادداشت

موضوع

: کتابنامه: ص. ۲۲۰ - ۲۳۰.

موضوع

: جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۲۵۴-۱۳۱۴ق. -- نظریه درباره مسلمانان

موضوع

: -- Views on muslims Jamaloddin Asadabadi

موضوع

: جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۲۵۴-۱۳۱۴ق. -- نقد و تفسیر

موضوع

: Jamaloddin Asadabadi -- History and criticism

موضوع

: جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۲۵۴-۱۳۱۴ق. -- نظریه درباره اصلاح دین

موضوع

: Jamaloddin Asadabadi -- Views on reformation

موضوع

: احمدخان، سید، ۱۸۱۷ - ۱۸۹۸م. -- نظریه درباره مسلمانان

موضوع

: Sayyid, Sir -- Views on muslims Ahmad Khan

موضوع

: احمدخان، سید، ۱۸۱۷ - ۱۸۹۸م. -- نقد و تفسیر

موضوع

: Sayyid, Sir -- Criticism, interpretation, etc. Ahmad Khan

موضوع

: اسلام -- تجدید حیات فکری -- تاریخ

موضوع

: Islamic renewal -- History

موضوع

: مسلمانان -- هند

موضوع

: Muslims -- India

موضوع

: اصلاح‌طلبان -- ایران

موضوع

: Reformers -- Iran

موضوع

: غرب‌گرایی

موضوع

: Westernization

موضوع

: عقب‌ماندگی -- کشورهای اسلامی -- علل

موضوع

: Underdevelopment -- Islamic countries -- Causes*

موضوع

: تمدن اسلامی -- تاریخ

موضوع

: Islamic civilization -- History

موضوع

: ۱۳۹۵ الف ۵۸ ج/ ۲۹۷/۹۹۸

رده بندی کنگره

۲۳۱۸۹۲۳

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

ران: بررسی تطبیقی علل انحطاط مسلمانان از نظر سید جمال‌الدین اسدآبادی و سرسید احمد خان هندی

نویسنده: علی استوار

تألیف: چاپ: اول بهار ۱۳۹۵

مبارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۷۵۰۰ تومان

شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۹-۹۲-۱

انتشارات شاپرک سرخ: تهران، میدان انقلاب اسلامی، ابتدای خیابان آزادی، کوچه

شهید جنتی، پلاک ۲۴ واحد ۱

۰۲۱-۶۶۹۳۳۷۴۶

www.shaparac.com

۰۹۱۲-۲۱۴۴۶۰۰

پیشگفتار:

جوامع اسلامی طی قرن‌های هیجده و نوزده میلادی، در اوج انحطاط فکری و عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی قرار داشتند. این امر که از یک سری جریان های داخلی و خارجی متأثر بود، واکنش هایی را از سوی نخبگان مسلمان به دنبال آورد و تلاش هایی برای برون رفت از این بحران صورت گرفت. از جمله این نخبگان سید جمال الدین اسدآبادی، سرسید احمد خان هندی، کواکبی، علامه اقبال لاهوری و آیت الله العظمی بروجردی بودند که برای پیشرفت و تکامل جوامع اسلامی، تلاش های زیادی را مبذول داشتند. این کتاب به دنبال پاسخ گویی به این سوال است که علل انحطاط مسلمانان از دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی و سرسید احمدخان هندی چه بود؟ در این کتاب، بنیان و بنای آن براین فرضیه قرار گرفت که دربررسی علل انحطاط مسلمانان سید جمال الدین ها به علل درونی و بیرونی و احمدخان هندی بیشتر به علل درونی توجه داشتند. سید جمال الدین بحث اتحاد اسلام و مبارزه با استعمار را پی گرفت و سرسید احمدخان هندی توجه به پیشرفت های غربیان و تقلید از آنان را یگانه راه برای ترقی جهان اسلام می دانست. براساس یافته ها، نشان داده شد که سید جمال مهم ترین علل انحطاط مسلمانان را استعمار و نفوذ و استبداد و استبداد اقتصادی مسلمانان و تهاجم فرهنگی غرب و رواج فرهنگ انفعال و سستی در برابر بیگانگان و مظاهر آن و استبداد حکام، روی گردانی از حقیقت اسلام، جهل فزاینده، عقاید انحرافی و خرافات، تعصبات دینی و خیانت حاکمان، تفرقه و تششت فکری بین علما و تعطیلی باب اجتهاد و مخالفت با پیشرفت های فکری، فرهنگی و عدم توجه اندیشمندان و علما به استعمار و لزوم مقابله با استعمار می داند و هم به علل بیرونی و هم درونی توجه

داشته است. اما در مقابل سرسید احمد خان هندی مهم ترین علل انحطاط مسلمان
را مغفول ماندن باب اجتهاد، جهل مسلمانان و شیوع عقاید خرافی، عدم توجه به یادگیری
زبان های روز همانند انگلیسی، تربیت نادرست اسلامی و عدم اشتغال مسلمانان
در مناصب حکومتی می داند و بیشتر به علل درونی توجه داشته است.

واژگان کلیدی: انحطاط، تمدن، فرهنگ، سید جمال الدین اسدآبادی،

سرسید احمد خان هندی

www.ketab.ir

پیشگفتار:.....	۵
مقدمه:.....	۱۱
فصل اول: رشد وبالندگی فرهنگ و تمدن اسلامی.....	۱۷
۱-۱- دیدگاه اسلام نسبت به علم و تمدن:.....	۲۰
۱-۲- تأثیر فرهنگ ها و تمدن های پیشین در پیدایش تمدن اسلامی (یونان، ایران و...).....	۲۴
۱-۳- تأثیر تمدن اسلام بر تمدن غرب:.....	۳۸
۱-۴- عصر روشنگری در اروپا:.....	۴۵
۱-۵- نهضت ترجمه، سیای مسیحیت:.....	۴۶
فصل دوم: وضعیت کشورهای اسلامی و علل انحطاط مسلمانان تا قرن ۱۹م.....	۴۹
۲-۱- بخش اول: متغیرهای اثرگذار در انحطاط تمدن اسلامی:.....	۵۰
۲-۲- بخش دوم: وضعیت کشورهای اسلام در قرن ۱۹ میلادی.....	۵۹
۲-۲-۱- وضعیت امپراطوری عثمانی:.....	۶۱
۲-۲-۲- علل انحطاط امپراطوری عثمانی:.....	۶۳
۲-۳- بخش سوم: علل انحطاط مسلمانان از دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر:.....	۶۸
۲-۳-۱- عبدالرحمان کواکبی:.....	۶۸
۲-۳-۲- شیخ محمد عبده:.....	۷۲
۲-۳-۳- آیت الله میرزای نایینی:.....	۷۶
فصل سوم: بررسی آراء و اندیشه های سید جمال الدین اسدآبادی و سرسید احمدخان هندی.....	۸۳
۳-۱- شرح حال و زندگینامه سید جمال الدین اسدآبادی:.....	۸۵
۳-۲- آثار و تالیفات سید جمال الدین اسدآبادی:.....	۸۹
۳-۳- وضعیت سیاسی اجتماعی عصر سید جمال الدین اسدآبادی:.....	۹۲
۳-۴- اندیشه ها و افکار سید جمال الدین اسدآبادی:.....	۹۵

- ۳-۶- ویژگی ها و امتیازات سیدجمال الدین اسدآبادی: ۱۰۷
- ۳-۷- نقش سید جمال در مبارزه با استعمار: ۱۱۳
- ۳-۸- شناسایی و معرفی استعمار انگلیس: ۱۱۵
- ۳-۹- سازش آموزه های مدرن و اسلام: ۱۱۷
- ۳-۱۰- استراتژی اتحاد اسلام: ۱۲۲
- ۳-۱۱- پیشینه تاریخی حضور مسلمانان در شبه قاره: ۱۳۶
- ۳-۱۲- ورود استعمار و پایان اقتدار مسلمانان: ۱۳۹
- ۳-۱۳- روح حال و زندگینامه سیداحمدخان هندی: ۱۴۱
- ۳-۱۴- آراء و تالیفات سیداحمدخان هندی: ۱۴۴
- ۳-۱۵- دیدگاه های دینی و مذهبی سیداحمدخان: ۱۴۵
- ۳-۱۶- جنبش نوگرایی و افکار سید احمدخان هندی: ۱۵۱
- ۳-۱۷- اهداف جنبش اصلاح طلبانه نوگرای سید احمدخان: ۱۵۱
- ۳-۱۸- راهبردهای سیداحمدخان بر اساس افکار و عقاید مسلمانان: ۱۵۳
- ۳-۱۸-۱- راهبردهای فکری فرهنگی: ۱۵۴
- ۳-۱۸-۲- راهبردهای سیاسی: ۱۶۴
- ۳-۱۸-۳- راهبرد تربیتی: ۱۶۹
- فصل چهارم: بررسی تطبیقی دیدگاه سید جمال الدین و سر سید احمد خان هندی: ۱۷۵
- ۴-۱- علل انحطاط مسلمانان از دیدگاه سیدجمال الدین اسدآبادی: ۱۷۷
- ۴-۲- علل انحطاط مسلمانان هند از دیدگاه سیداحمدخان هندی: ۱۸۷
- ۴-۳- اختلافات و اشتراکات فکری سیدجمال الدین و سیداحمدخان هندی: ۱۹۴
- ۴-۳-۱- آرای سید احمد خان هندی: ۱۹۴
- ۴-۳-۲- آرای سید جمال الدین: ۱۹۶
- ۴-۴- نقاط مشترک سید جمال و سید احمدخان: ۱۹۸
- ۴-۵- نقاط اختلاف سید جمال و سید احمدخان: ۲۰۲
- ۴-۶- آرای فرهنگی سید احمد خان: ۲۰۷

۴-۷-آرای فرهنگی سید جمال: ۲۰۹

۴-۸-دیدگاه سید جمال راجع به تفسیر قرآن سید احمد خان هندی: ۲۱۱

نتیجه گیری: ۲۱۲

منابع: ۲۲۱

www.ketab.ir

تهاجم غرب به جهان اسلام، موجب ضعف و ازهم گسیختگی جوامع و بحران هویت در آن گردید. از این رو واکنش های متفاوت متفکران اسلامی رادر پی داشت، از جمله سیداحمد خان و سیدجمال الدین که هر کدام با توجه به مبانی فکری شان نسبت به غرب، جهان اسلام و تحولات فراروی آن، واکنش های متفاوتی را ابراز داشتند. اگر بخواهیم شروع انحطاط و شکست مسلمین را بررسی کنیم به صدر اسلام و درگیری قرمی، نبیله ای بر سر تعیین جانشینی پیامبر (ص) بازمی گردد. پس از دوران سیادت اسلام و ایجاد وحدت بین همه عناصر و گروه ها توسط پیامبر اکرم (ص)، ارجاعاتی به یکباره این وحدت در سایه سقیفه بنی ساعده فرو ریخت و تعیین جانشین باعث اختلاف بین مسلمین و تقسیم بندی به اهل سنت و تشیع گردید. این خط سیر تاریخی آن طوط در دوره های خلفای راشدین، بنی امیه، بنی عباس و امپراطوری عثمانی هم در ادامه می یافت و می توان عوامل متعددی همانند ضعف رهبری، کوتاهی در کسب علوم، حمله مغول، جنگ های صلیبی، پیدایش دولت عثمانی و ضعف و شکست این دولت و... را از اهم دلایل این انحطاط هستند.

در قرن شانزدهم و هفدهم میلادی اروپا با سرعت فزاینده به سوی ترقی گام برداشت و این عصر، عصر اکتشاف و اختراع برای اروپا و جهان اسلام استبداد دینی و رواج تحجر در مراکز علمی و دانشگاهی و بسته شدن باب اجتهاد به علت بسنده بودن فقه موجود و جلوگیری از التقاط در دین، موجب تعطیل شدن تحقیق و نوآوری در مسایل دینی شد. روش نقادی تضعیف گردید و یک نوع پذیرش منفعلانه در بین دولت و ملت شکل گرفت. استبداد حاکم و سقوط سیاسی مسلمانان و مداخلات

اروپاییان در اداره جامعه و بی کفایتی حکومتها و جهل فکری سیاسی باعث شده که از پیشنازی مسلمانان در علوم کاسته شود. ایران، هند و عثمانی که تا مدت‌ها صورتی از یک قدرت برتر اسلامی و ظاهری از یک جهان متمدن در زمینه های فرهنگی علمی و فلسفی به وجود آورده بودند فاصله عمیقی که بین مسلمانان و غربیان در قرن ۱۹ م. ایجاد شده و سابقه شکوه مند مسلمانان در گذشته، متفکرین اسلامی را به طرح این سوال واداشت که چه باید کرد؟ مجموعه پاسخ های داده شده به این سوال را می توان در سه گروه تقسیم بنیان کرد:

۱- بنیادگرایان هستند که اعتقاد داشتند با توسل به اسلام و آن چه که صرفاً در صدر اسلام در قرآن و سنت نشان داده است بدون توجه به غرب، برای مسلمانان برنامه ریزی شود و آن چه متعلق به غرب بود یکسره دور انداخته شود و نمونه های آن تفکر سنتی حاکم بر دانشگاه الازهر و برخی از امامان اسلام به بند.

۲- روشنفکران واقع گرا که معتقد به بازگشت اسلام اصیل و دوری از خرافه و بدعت و همچنین دریافت دانش و علوم غربی، می توانستند مسلمانان را به پیشرفت و اصلاح رسانید. نمایندگان فکری آن سید جمال، رشید رضا، عبد الباقی و باتسامح بیشتر به غرب کواکبی و اقبال را نیز می توان در این گروه جای داد.

۳- روشنفکران غرب زده بودند که با انکار آنچه متعلق به اسلام و شرق است، یکسره به جهت غرب چرخیدند و تقلید محض از تمدن غرب را تنها راه چاره برون رفت مسلمانان از رکود و سستی تلقی می کردند. نمایندگان فکری این گروه سرسید احمد خان هندی، تقی زاده، میرزا ملکم خان، آخوند زاده و دیگران بودند.

سید جمال الدین در دورانی زندگی می کرد که تمدن غرب اغلب کشورهای اسلامی را به سمت خود کشانده بود. در این راستا سید جمال الدین تنها چاره رهایی

مسلمانان از سطره تمدن غرب رابازگشت به اصول نخستین اسلامی وریشه اصلی مشکلات جهان اسلام رادرفرق فرهنگی وجهل می دیدوراه نجات راحیای تمدن اسلامی ومبارزه بااستعماری دانست.درمقابل سرسیداحمدخان هندی مرعوب تمدن بریتانیا شده وسعی داشت اسلام رابادهیتی که ازپیشرفت انگلیس درزمینه های مختلف علمی داشت تطبیق دهد.وی اعتقادداشت که مسلمانان قدرت دفاع درمقابل استعمارگران انگلیسی راندارند ورویاریوبی بالامپراطوری بزرگ انگلیس درحقیقت شکست مجدد مسلمانان درتمام عرصه های اجتماعی،فرهنگی وسیاسی خواهد بود.مسلمانان هندبرای رهایی از عقب ماندگی بایدعلوم جدیدهمچون زبان انگلیسی رافرا بگیرند.به جای درگیری باانگلیسیها،هم زیستی مسالمت آمیز باآنها را برگزینند.

ازحدود نیمه دوم قرن ۱۳ تا ۱۹ میلادی جنبش اصلاحی درجهان اسلام آغاز شده بود.این جنبش شامل ایران مصر، ترکیه، شمال آفریقا، ترکیه، افغانستان و هندوستان می شد.دراین کشورهاکم و بیش داعیه داران اصلاح پیداشده واندیشه های اصلاحی عرضه کرده اند.این جنبش ها به دنبال یک رکر- چند قدر صورت گرفت وتاحدی عکس العمل هجوم استعمارسیاسی وفرهنگی واقتصادی غرب بود ونوعی بیدارسازی ورنسانس (تجدید حیات) درجهان اسلام به شمار می رود.اندیشه اصلاحات به آن دلیل بود که اغلب کشورهای اسلامی مقهور تمدن غرب شده بودند. باتوجه به نقش ویرانگرانه ای که اروپائیان درشرق وبویژه کشورهای اسلامی داشتند،استعمارو مبارزه باآن یکی از اصول اساسی مبارزاتی دراین دوران محسوب می شد.تاریخ تمدن اسلامی به استناد منابع، ادوار پرفراز وفرودی راپشت سر گذاشته است.زمانی تولید کننده ومولد بوده وزمانی نیز به انحطاط کشیده شده است.مسلمانان در چهار سده در عرصه های

گوناگون تمدن و فرهنگ پیشرفت بسیار داشتند و شهرهای بزرگ اسلامی مامن
 علما و اندیشمندان بزرگ و محلی برای رشد و ترقی علوم و فنون بود. در فاصله زمانی
 عبدالله سفاح (۱۳۶-۱۳۲ ق.)، نخستین خلیفه عباسی تا متوکل (۲۴۷-۲۳۲ ق.)،
 یازدهمین خلیفه عباسی که به «عهد اول عباسیان» شهرت دارد مجموعه‌ای از خلفای
 مقتدر با مدیریت متمرکز بر سرزمین‌های اسلامی حکم راندند که بارزترین امتیاز این دوره
 یکپارچگی و انسجام درونی نظام خلافت و دولت اسلامی است که زمینه وفاق
 اجتماعی و آرامش سرزمین‌های اسلامی ایجاد کرده بود. اما بعد از آن عوامل ضعف در جهان
 اسلام هویداشد که اندک زمان ناتوانی در حل مشکلات روزافزون شد. این دوره
 رابه دو علت دوره تاریخی تمدن اسلامی نام نهاده‌اند: دلیل اول این است که در این دوره
 دولت اسلامی هم از لحاظ ثروت و سیادت و هم از حیث فرهنگ و معرفت به قله
 مجد و رفعت رسید. دلیل دوم این است که بیشتر علوم اسلامی در این دوره نشأت یافت
 و کتاب‌های زیادی به زبان عربی ترجمه شدند. نهضت ترجمه نقطه آغاز پیشرفت
 علمی مسلمانان به حساب می‌آورند. در این دوران توجه به فرهنگ و تمدن
 یونانی آغاز و رویکرد افراطی به گزاره‌هایی از تمدن یونانی و غربی نیز از همین زمان
 شروع شد. اولین برخورد مسلمانان و مسیحیان با نام جنگ هجری ۲۰۰ سال طول
 کشید. ظاهر مسلمانان پیروزمیدان شدند. اما فاتح واقعی غربیان بردند. به عبارت کتاب
 های علمی ارزشمند مسلمانان شدند و بیشتر از همه این کتاب هان نهضت رنسانس در آن
 جا اتفاق افتاد. حمله مغول در سال ۶۵۶ ق. کار عباسیان رابه پایان رسانید. بعد از سقوط
 خلافت عباسیان دیگر هیچ حکومت و دولتی وجود نداشت که از کیان و مرزهای
 اسلامی حفاظت نماید و وحدت اسلامی از بین رفت. این جریان ادامه داشت تا اینکه
 دولت عثمانی شکل گرفت. دولت عثمانی با دوام‌ترین خلافت در طول تاریخ بوده

است. پیدایش عثمانی ها بعد از دو قرن توقف که عالم اسلامی در طی آن از آثار جنگ های دراز مدت و وحشیانه صلیبی و ویرانی های وارده از اثر دو حمله مغول به رهبری (هلاکو) و (تیمور لنگ) رنج می کشیدند، بسیار به موقع و مناسب بود؛ چرا که زخم های خونین، پیکر جهان اسلام را بی حد نحیف و ناتوان کرده بود؛ به وسیله آنان باردیگر التیام و شفایافت. امپراتوری عثمانی تاریخی بیش از ۶۰۰ سال دارد و از ابتدای تشکیل در سال ۱۲۸۸ م. تا سال ۱۹۲۲ م. انقراض آن دستخوش تحولات متعدد تاریخی گردید که نقش بسیار مهمی در اوضاع و احوال مسلمانان داشت. عوامل انحطاط دولت عثمانی به دو دسته علل درونی (ضعف خلفای عثمانی، اهانت ترکان به ملت های دیگر به ویژه اعراب، اسب دادر، اختاتوری مطلق، عدم توجه به امور حکومتداری و بی اعتنائی به نیازهای مادی، روحی و فرهنگی اقتصادی) و علل بیرونی (نقش استعمار و کشورگشایی اروپاییان، رونق تجاری تمامی فرهنگ های تفکیک می شود. در این زمان علاوه بر حکومت ترکان عثمانی، تمدن های بزرگ و جهانی متأثر از اسلام در حوزه خارج از کشورهای عربی ایجاد شد. حکومت بزرگ صفویه در ایران و گورکانیان در هند نیز در عرصه علم و هنر، نوآوری اداری و معماری خورش درخشیدند.

حکومت گورکانیان هند در نیمه سده ۱۷ و ۱۸ م. در زمان شاه جهان بزرگ ترین و ثروتمندترین امپراتوری جهان بود. این سلسله آخرین دوران طلایی امپراتوری های اسلامی به شمار می رود. در سال ۱۷۳۹ م. با حمله نادر شاه افشار به هندوستان مقدمات انقراض این امپراتوری فراهم شد و در سال ۱۸۵۷ م. پس از سال ها نبرد سرانجام کمپانی هند شرقی توانست این امپراتوری را منقرض کرده و سرزمین های آن را تصرف کند. سید جمال الدین در دورانی زندگی می کرد که تمدن غرب اغلب کشورهای اسلامی را به سمت خود می کشید. ایشان برای احیای تمدن اسلامی

و مبارزه با استعمار اقدام نمود. در این راستا سید جمال الدین تنها چاره رهایی مسلمانان از سیطره تمدن غرب را بازگشت به اصول نخستین اسلامی می دانست. بدین ترتیب دیدگاه های انقلابی وی علیه استعمارگران اروپایی مورد توجه روشنفکران جهان اسلام قرار گرفت. ایشان ریشه اصلی مشکلات جهان اسلام را در فقر فرهنگی و جهل می دید. در مقابل سرسید احمد خان هندی مرعوب تمدن بریتانیا شده سعی داشت اسلام را با ذهنیتی که از پیشرفت انگلیس در زمینه های مختلف علمی داشت تطبیق دهد. وی اعتقاد داشت که مسلمانان قدرت دفاع در مقابل استعمارگران انگلیسی را ندارند و رویارویی امپراتوری بزرگ انگلیس در حقیقت شکست مجدد مسلمانان در تمام عرصه های اجتماعی فرهنگی و سیاسی خواهد بود. با توجه به آنچه که گفته شده به نظر می رسد تفاوت در دیدگاه های سید جمال الدین اسدآبادی و سرسید احمد خان هندی ناشی از جهان بینی این دو باشد. سید جمال الدین اسدآبادی هردواز متفکرین و نواندیشان تجدد فکری در اسلام بودند. شرایط زمانی و مکانی هردو شباهت داشت. اما عمده اختلاف فکری اینان به نقش اسلام و مواجهه تمدن اسلامی و مسلمانان با غرب است. اینان ضمن اذعان به اینکه بدل اسلامی در حال زوال و انحطاط هستند، در بیان درمان و توجیه آن و ارائه راهکار مشابه با آن متفاوت می اندیشیدند. سید جمال هم به عناصر درونی و هم بیرونی توجه دارد. سید احمد خان صرفاً نگاه درونی دارد که از حیث تفاوت دیدگاه مهم به نظر می رسد. در این تحقیق سعی می شود به تبیین و تشریح بیشتر تفاوت های مورد اشاره پرداخته شود.